

واکاوی تأثیر برخی باورهای کلامی بر تحلیل تاریخ اسلام با رویکرد آسیب‌شناختی

علی حسن‌بیگی^۱
محمدحسن بیگی^۲

چکیده

ذهن روایتگر مورخ، هیچ‌گاه مانند آینه نبوده است که رویدادها را بدون کمی‌وکاستی، تحلیل و انعکاس نماید. از این رو، ایده بی‌طرفی در تاریخ‌نگاری، نه شدنی است و نه طرف‌داری دارد. در این میان، به نظر می‌رسد پیش‌فرض‌ها و باورها، بیشترین تأثیر را در این باره داشته و باورهای کلامی، عمیق‌ترین اثر را در حوزه تاریخ‌نگاری دینی از خود به جای گذاشته‌اند که بی‌توجهی به عامل مذکور، پژوهش‌های تاریخی، به‌خصوص تحلیل را با مشکل مواجه می‌سازد.

نوشتار حاضر، در پی پاسخ به سه پرسش اصلی ذیل می‌باشد: ۱. باورهای کلامی چه تأثیری در تحلیل رویدادهای تاریخی دارند؟ ۲. آیا راهکاری برای ارزیابی تحلیلی نسبتاً صحیح از میان تحلیل‌های کلام‌محور وجود دارد؟ ۳. در بهره‌مندی از باورهای کلامی چه موانع و آسیب‌هایی وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت که دستاوردهای پژوهش، حاکی از آن است که تأثیر باورهای کلامی بر تحلیل رویدادهای تاریخی را در مباحثی مانند فرضیه‌سازی

^۱ دانشیار گروه الهیات دانشگاه اراک: a-hasanbagi@araku.ac.ir

^۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک (نویسنده مسؤول): mohaamad.beigi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۰

و توجیه و تأویل می‌توان مشاهده نمود؛ چنان‌که ارزیابی باورهای کلامی و بررسی استحکام و خاستگاه آنها و توجه به شواهد و قراین تاریخی، کمک شایانی به تشخیص تحلیل صحیح از غیر صحیح بر پایه باورهای کلامی دارد.

حصرگرایی، تعمیم‌گرایی، بی‌توجهی به لُبّی بودن باورهای کلامی، نبود مطالعات تاریخی درباره باورهای کلامی و مسلّم‌پنداری برخی باورهای کلامی را می‌توان از آسیب‌های استفاده از چنین باورهایی در حوزه تاریخ دانست که در مقابل، توجه به خاستگاه باورهای کلامی، لُبّی بودن باورهای کلامی و مطالعات تاریخی، در کاستن این آسیب‌ها مؤثر است.

واژگان کلیدی

تحلیل، تاریخ اسلام، باورهای کلامی، موانع و آسیب‌ها.

بیان مسئله

هر پژوهشی در زمینه تاریخ، از دو رکن «روایت» و «نقد و تحلیل» تشکیل می‌شود. گزارش‌ها یا همان اطلاعات و داده‌ها، مهم‌ترین رکن روایی می‌باشند که تحلیل‌گر بر پایه آنها، به بررسی علل، عوامل و زمینه رویدادها و نقد و تحلیل می‌پردازد. نکته قابل ذکر، آن است که ذهن انسان همانند آینه نیست که هر آنچه را می‌بیند، انعکاس دهد؛ بلکه هریک از انسان‌ها دارای قالب فکری خاص هستند که روایت‌ها را در چارچوب آن نقل و تحلیل می‌نمایند. از این رو، حوادث، آن‌گونه که رخ داده است، گزارش نمی‌شود؛ بلکه آن‌طور که برداشت شده است، گزارش می‌شود. از این جهت، به نظر می‌رسد از میان عناصر سازنده چارچوب مذکور، باورهای کلامی از جایگاه ویژه‌ای، به‌خصوص در نقل تواریخ دینی برخوردار است. بنابراین، هر رویداد تاریخی که با محوریت شخص یا اشخاص مقدس رخ می‌دهد، در سه سطح، با باورهای کلامی مرتبط است:

۱. سطح نقل رویداد: گزارشگر بر اساس باور کلامی خود به نقل آن می‌پردازد که در این مورد، گزارشگر به‌گزینش رویداد، کتمان واقعیت (ابن‌هشام، بی‌تا: ۱۴۲/۲-۱۴۳؛ حسن‌بگی، ۱۳۹۰: ش ۹۹، ۱۱۳-۹۶) و گاه انکار آن روی می‌آورد (ابن‌خلدون، ۱۳۹۱: ۱۸۱/۲).
۲. سطح نقد گزارش: ناقد بر اساس باورهای کلامی به نقد گزارش‌های متعارض با

باورهای کلامی خود می‌پردازد (مرتضی‌العاملی، ۱۴۲۰: ۱۱۸/۱-۱۱۹؛ همان: ۸۷/۳-۸۵/۳).
 ۳. سطح تحلیل داده‌های تاریخی: این نوشتار، در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا باورهای کلامی در سطح سوم، یعنی تحلیل حوادث تاریخی هم اثرگذار است؟ چه راهکاری برای تشخیص و ارزیابی صحت تحلیل‌هایی که بر اساس باورهای کلامی ارائه شده‌اند، وجود دارد؟ همچنین، تحلیل‌گر در بهره‌مندی از باورهای کلامی با چه موانع و آسیب‌هایی مواجه می‌شود؟ و آیا می‌توان موانع را از پیش روی تحلیل‌گر برداشت؟

پیشینه پژوهش

همواره برخی از پژوهشگران تاریخ اسلام در تحلیل رویدادها بر باورهای کلامی تکیه کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی نیز در مصاحبه‌های خویش صرفاً از موافقت و عدم موافقت در استفاده از باورهای کلامی در تاریخ سخن گفته‌اند. در این میان، تعدادی از کتب و مقالات و آثار پژوهشی نیز تلاش کرده‌اند تا به جایگاه باورهای کلامی در تحلیل روایت‌های تاریخی بپردازند؛ از جمله:

۱. کتاب «درآمدی بر مبانی کلامی تاریخ‌نگاری اسلامی» نوشته مصطفی صادقی کاشانی، چاپ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۹۷ می‌باشد. وی در این تحقیق، به دنبال گزارش‌هایی از تاریخ مسلمانان است که بر اساس مبانی کلامی یا احادیث مورد اعتقاد ایشان تدوین شده است. از این رو، به بخشی از مبانی کلامی و اعتقادی مسلمانان شیعه و سنی می‌پردازد که مرتبط با رویدادهای سده‌های نخستین است و می‌تواند بر تاریخ‌نگاری اسلامی تأثیر داشته باشد. البته واضح است که نتوانسته همه گزارش‌های تاریخی در این باره را مورد بررسی قرار دهد و خود او نیز چنین ادعایی ندارد؛ بلکه به گفته خویش، این اثر «پیش‌درآمدی بر پاسخ به مسئله مطرح‌شده و بیان نمونه‌های آن» می‌باشد (صادقی کاشانی، ۱۳۹۷: ۲). نکته دیگر در باره کتاب او، آن است که تحقیق آقای صادقی کاشانی به لحاظ منابع، محدود به دوره‌ای خاص نیست؛ زیرا معتقد است هم منابع متقدم و هم کتب متأخر، می‌تواند مستند دخالت دادن مبانی کلامی در بیان گزارش‌های تاریخی قرار گیرد. البته به لحاظ متن تاریخی و اصل رویدادها، محدود به سه قرن نخست هجری می‌باشد.

۲. مقاله «دانشوران شیعی و نقد گزارش‌های تاریخی بر پایه باورهای کلامی»، نوشته علی حسن‌بگی است که در سال ۱۳۹۵ در مجله شیعه‌شناسی به چاپ رسید. در این مقاله،

آسیب‌هایی که باورهای کلامی به نقل روایت‌های تاریخ شیعه وارد می‌سازند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳. مقاله «معیارسنجی باورهای کلامی در ارزیابی روایات تاریخی در الصحيح من سیره النبی الاعظم ﷺ»، نوشته آقایان حمید جلیلیان و سیدمحمدعلی ایازی است که سال ۱۳۹۶ در مجله پژوهشنامه تاریخ اسلام به چاپ رسید. در این مقاله، تلاش شده است تا بر اساس باورهای کلامی، داده‌های تاریخی اعتبارسنجی شود و صحت و سقم آنها مورد بررسی قرار گیرد.

باورهای کلامی

گرچه در فرهنگ‌نامه‌ها از تعبیر «باورهای کلامی» خبری نیست، ولی با تأمل و دقت در تعبیر مذکور و همچنین توجه به کاربردهای آن، می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد: هر باوری که باورمند به آن، یقین داشته باشد خاستگاهش، عقل، نقل و حسن ظن (خوش‌گمانی) باشد و در ضمن، به ساحت فکر و اندیشه - نه ساحت مناسک و اعمال - تعلق داشته باشد، آن را باور کلامی گویند؛ برای مثال، مسلمانان معتقدند که نماز، واجب است؛ ولی چنین باوری را کلامی نمی‌گویند؛ بلکه موضوعاتی از قبیل: عصمت پیامبر، علم امام علیه السلام، تحریف‌ناپذیری قرآن کریم و یا عدالت صحابه را که به ساحت اندیشه تعلق دارند، باور کلامی تلقی می‌کنند.

باورهای کلامی و دلیل نبی

در علم اصول الفقه، به دلایل غیرلفظی مانند: بنای عقلا، اجماع، شهرت فتوایی و سیره متشرعه، دلیل «نبی» گویند و چون دلیل نبی از قبیل الفاظ (مثل آیات شریفه قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام) نیست، عموم و اطلاق ندارد؛ در نتیجه، باید از آن دلایل، قدر متیقن را اخذ کرد (خویی، ۱۴۱۰: ۴۸۴/۲؛ فیاض، ۱۴۱۰: ۱۹۰/۳؛ بهسودی، ۱۴۱۷: ۴۶۱/۲؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۸۹/۲؛ سبحانی، ۱۴۱۰: ۱۳۷/۳)؛ برای مثال، خردمندان در تعاملات خویش با دیگران، «خبر واحد» را حجت دانسته، به آن ترتیب اثر می‌دهند؛ ولی قدر متیقن از سیره و روش مذکور، حجیت خبری است که گوینده آن را «ثقه» (مورد طمینان) می‌دانند؛ به عبارت دیگر، خردمندان به هر خبر واحدی ترتیب اثر نمی‌دهند؛ بلکه

صرفاً خبر واحدی را می‌پذیرند که وثاقت گوینده‌اش احراز شده باشد. باورهای کلامی نیز به دلیل اینکه از دلایل و مستندات لَبّی محسوب می‌شوند، باید به قدر متیقن اکتفا کرد. در نتیجه، کلیات باورهای کلامی (مثل اصل عصمت پیامبر از گناهان و اصل علم امام) و نه جزئیات باورها، معیار و اساس تحلیل رویدادها قرار می‌گیرد.

انواع باورهای کلامی

تحلیل‌گر باید به گونه‌های باورهای کلامی توجه کند که در حوادثی با محوریت اشخاص مقدس شکل گرفته است؛ زیرا توجه به نکته مذکور، تحلیل‌گر را در مبحث راهکار جداسازی تحلیل صحیح از غیر آن، کمک می‌کند. اکنون با بررسی کتاب‌های کلامی، حدیثی و تاریخی، می‌توان گفت که باورهای کلامی، به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند:

الف: باورهای کلامی مسلم، همچون وجود خداوند، عصمت پیامبر و علم امام (حلی، ۱۴۰۷: ۲۸۰ و ۳۴۹؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۴ و ۲۴۵؛ مظفر، ۱۳۸۵: ۶۳-۷۶) که تقریباً همه متکلمان یک مذهب بدان باور دارند.

ب: باورهای کلامی غیرمسلم یا خاص، همچون عصمت حضرت علی اکبر و عصمت نواب اربعه (استادی، ۱۳۷۹: ش ۳۷، ۳۷؛ سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۸ و ۵۹؛ مجتهدی سیستانی، ۱۳۹۳: ۶۴۷). نظام معتزلی برخلاف معتزلیان، معتقد بود خداوند در آخرت بر افزودن و کاهش عذاب جهنمیان توانا نیست؛ چنان‌که نمی‌تواند از نعمت‌های بهشتیان نیز بکاهد. همچنین، او معتقد بود اجماع و قیاس، حجت نیست و سخن امام معصوم، صرفاً حجت است. او امامت را تنها از طریق نص و تعیین، مشروع می‌دانست (شهرستانی، بی‌تا: ۵۸ و ۵۹). گفتنی است که چنین باورهایی، از سوی بسیاری از متکلمان پذیرفته نشده است.

به عبارت دیگر، باورهای مذکور به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی از این باورها، به گونه‌ای است که همه یا اکثر کارشناسان و متکلمان بر درستی آن توافق دارند و برخی از آنها، از سوی غیرمتخصصان مسائل دینی و یا از سوی برخی از عالمان و متکلمان، مطرح گردیده است.

خاستگاه باورهای کلامی

از آنجا که باورهای مذکور به لحاظ خاستگاه در یک سطح نیستند، برخی از آنها از استحکام بالایی برخوردار بوده و بعضی هم ویژگی مذکور را ندارند. اکنون به نظر می‌رسد که خاستگاه و سرچشمه باورهای کلامی، به شرح زیر است:

۱. عقل: خاستگاه برخی از باورهای کلامی از قبیل یگانگی خداوند متعال و عصمت پیامبر، عقل است (حلی، ۱۴۰۷: ۲۸۰ و ۳۴۹؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۴ و ۲۴۵)؛ به عبارت دیگر، برای هر کدام از باورهای مذکور، دلیل عقلی اقامه شده است.

۲. نقل: یکی از خاستگاه‌های مهم باور کلامی، نقل است که به نقل معتبر و غیرمعتبر تقسیم می‌شود. مقصود از نقل معتبر، قرآن کریم و احادیث صحیح است که همه مسلمانان بر اعتبار آن دو، اتفاق نظر دارند. اکنون به نظر می‌رسد که منبع و منشأ برخی باورهای کلامی، مثل: عصمت پیامبر اسلام ﷺ، خلافت بلافضل امیر مؤمنان علی علیه السلام و دانایی امام صادق علیه السلام، نقل معتبر است (صدوق، ۱۳۷۱: ۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۳۸/۲-۱۴۴؛ امینی، ۱۴۱۶: ۱/۱ و ۱۶۵؛ حلی، ۱۴۰۷: ۳۶۷-۳۷۲؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۰: ۳۳۵-۳۴۲؛ مظفر، ۱۳۸۵: ۷۶-۶۳).

مقصود از نقل غیرمعتبر، احادیث جعلی و یا ضعیفی است که مستند برخی از باورهای کلامی شده است؛ برای مثال، عده‌ای بر پایه برخی از روایات، معتقد به تحریف قرآن شده‌اند (مالک، ۱۴۰۶: ۸۴۲/۲؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۲۶/۸؛ مسلم، ۱۴۲۰: ۳۷۳/۴؛ همان: ۲۵۲/۶؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۶۳۴/۲؛ طبرسی، ۱۴۲۲: ۵۹۸/۱) که از سوی بیشتر مفسران، متکلمان و عالمان دانش حدیث و رجال، بر بی‌پایه بودن باور کلامی مذکور و ضعیف و یا جعلی بودن خاستگاه آن (احادیث) تصریح شده است (خویی، ۱۴۱۶: ۲۲۶؛ مظفر، بی‌تا: ۵۹؛ معرفت، ۱۴۱۳: ۸۳ و ۶۰؛ سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۴۳).

۳. حُسن ظن به برخی از افراد: گاه خاستگاه باور کلامی، خوش‌گمانی و حُسن ظن بیش از حد به برخی از اشخاص است؛ برای مثال، می‌توان به باور کلامی «عدالت صحابه» و جاودانگی امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و محمد حنفیه اشاره کرد (حسن بگی، ۱۳۸۲: ش اول و دوم، ۱۰۷-۱۱۱؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ق: ۹۸/۴-۹۹؛ صدوق، ۱۴۰۴: ق: ۲۰۳/۲؛ طوسی، ۱۳۴۸: ۳۱۶).

تحلیل رویدادها و شرایط بهره‌مندی از باورهای کلامی

بر پایه توضیحات گذشته، می‌توان گفت: در تحلیل رویدادهای تاریخی، باور کلامی‌ای پایه تحلیل قرار می‌گیرد که اولاً، همه یا اکثر متکلمان بر درستی آن توافق داشته باشند و یا اگر از سوی برخی متکلمان مطرح شده است، باید مستدل و از اتقان کافی برخوردار باشد. ثانیاً، خاستگاه آن عقل یا نقل معتبر باشد. ثالثاً، به دلیل لُبّی بودن باورهای کلامی که قبلاً بدان اشاره گردید، صرفاً کلیات باورهای کلامی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. از این رو، باورهای کلامی که فاقد سه شرط مذکور هستند، شایستگی اساس و پایه تحلیل را ندارند.

عقل، یگانه‌معیار ارزیابی و تحلیل تاریخ

نکته مهمی که باید بدان توجه کرد، این است که گرچه گزارش‌های تاریخی با ابزار و معیارهای مختلفی ارزیابی و تحلیل می‌شوند، ولی بنیان تمام این ابزار و معیارها، عقل است؛ زیرا عقل بر اساس داده‌ها و اطلاعاتی که در اختیار دارد، ابتدا به سنجش روی می‌آورد و سرانجام، حکم خود را صادر می‌کند. بنابراین، می‌توان عقل را به‌عنوان یگانه‌ابزار و معیار تحلیل رویدادهای تاریخی مطرح کرد؛ به سخن دیگر، اطلاعات و داده‌های قرآنی، حدیثی، کلامی، فقهی و یا تجربی، همگی در اختیار عقل قرار می‌گیرند. سپس، عقل بر مبنای داده‌ها، به سنجش و داوری رو می‌آورد و هنگام مشاهده سازگاری و یا ناسازگاری میان داده‌ها، حکم خود را صادر می‌کند؛ به بیان دیگر، عقل در حوزه تاریخ، به‌خودی‌خود، هیچ حکم و داوری نمی‌کند و تنها بر اساس داده‌ها و اطلاعاتی که در اختیارش قرار می‌گیرد، به سنجش و داوری می‌پردازد؛ برخی از داده‌ها، باورهای کلامی است که در اختیار عقل قرار می‌گیرد و عقل بر پایه آن ارزیابی و داوری می‌نماید. با این توضیح، روشن گردید که نگرانی برخی دانشوران از حضور باورهای کلامی در حوزه تاریخ (حسن حضرتی، ۱۳۸۱: ۱۶۷؛ قادری و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۲۰۳/۲)، بجا نیست.

قلمرو باورهای کلامی در تحلیل رویدادهای تاریخی

قبلاً اشاره گردید که باور کلامی‌ای پایه و اساس تحلیل قرار می‌گیرد که شرایط سه‌گانه مذکور را دارا باشد. حال آیا در تحلیل هر رویداد تاریخی، از این معیار استفاده می‌شود؟ یا قلمرو بهره‌مندی از باور کلامی محدودیت خاصی دارد؟ به نظر می‌رسد که برای تبیین قلمرو

باورهای کلامی در تحلیل رویدادهای تاریخی، لازم است به گونه‌های رویداد تاریخی (بر اساس حضور و عدم حضور شخصیت‌های مقدس در رویدادها) توجه کنیم که در ادامه، به شکل زیر می‌توان آن را دسته‌بندی نمود:

۱. رویدادهایی که بر پایه عقل تحلیل می‌شوند، برای مثال، در باره علل و عوامل ظهور خوارج، عقل علل و عوامل آن را در بی‌توجهی به تبیین دین از سوی خلفا و حاکمان مسلمان در فاصله سال‌های ۱۱-۳۵ هجری (مطهری، ۱۳۷۹: ۳۲۱/۱۶)، تعمق (افراط) در دین (محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۱: ۲۶۴/۶-۲۵۸) و گسست میان آرمان‌های رزمندگان و انقلابیون با واقعیت‌های جامعه (هاشم آقاجری، ۱۳۷۷: ۱۲۱۷-۱۲۲۳) می‌داند.

۲. برخی از تحلیل‌گران، رویدادی را بر پایه نقل معتبر (قرآن و حدیث معتبر) تحلیل می‌کنند؛ برای مثال، در باره علل مخالفت قریش و مشرکان مکه با پیامبر ﷺ، گمانه‌زنی‌های مختلفی اظهار گردیده است؛ ولی یکی از نویسندگان علت اصلی مخالفت را بر پایه آیاتی که روابط ناسالم اقتصادی میان آنان را تخطئه کرده و رباخواران و مالداران قریش را تهدید می‌کرد، می‌داند (شهیدی، ۱۳۸۳: ۴۸-۵۰).

۳. در تحلیل برخی از رویدادها به دلیل حضور و محوریت اشخاص «مقدس» از باورهای کلامی بهره‌برداری می‌شود. در ادامه، مثال‌هایی از آن آورده شده است. با توضیحات مذکور روشن گردید که اولاً، قلمرو تحلیل رویدادهای تاریخی بر پایه باورهای کلامی، محدود و شامل همه رویدادهای تاریخی نمی‌شود. ثانیاً، همان‌گونه که اشاره گردید، همه ابزار و معیارهای ارزیابی و تحلیل تاریخ به یک معیار، آن هم به نام «عقل» برمی‌گردد. بر این اساس، نباید از حضور روشمند باورهای کلامی در تحلیل تاریخ نگران بود؛ به عبارت دیگر، همان‌طور که تحلیل‌گر به کمک عقل و داده‌های تاریخی و یا تجربی، به تحلیل رویدادها می‌پردازد، همچنین، داده‌های کلامی مواد خامی است که در اختیار عقل تحلیل‌گر قرار گرفته، بر پایه آن به بررسی و تحلیل رویدادها می‌پردازد.

ویژگی گزارش‌های تاریخی و تحلیل تاریخ بر پایه باورهای کلامی

ادعای تحلیل تاریخ بر پایه باورهای کلامی، این پرسش را برمی‌انگیزد که آیا باورهای کلامی شایستگی لازم را در این باره داراست؟ پاسخ به این پرسش در گرو توجه به ویژگی‌های گزارش‌های تاریخی و باورهای کلامی است. تأمل و دقت در گزارش‌های

تاریخی، ما را به ویژگی‌های ذیل رهنمون می‌کند:

۱. حوادث و رویدادها، آن گونه که رخ داده، گزارش نشده است؛ زیرا گزارش‌گران انسان‌ها هستند و انسان‌ها دارای گرایش‌های سیاسی، قومی و کلامی متفاوت می‌باشند (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۲۴/۱-۱۲۵؛ والش، ۱۳۶۳: ۱۱۰، ۱۱۲-۱۲۲). از این رو، اصولاً حوادث را آن گونه که گرایش آنها اقتضا می‌کند، گزارش می‌کنند.

۲. در بسیاری از مواقع، به عللی میان وقوع رویداد و ثبت و ضبط آن، فاصله افتاده است که این فاصله و گسست، تأثیر خود را از قبیل کم و زیاد شدن، جعل و فراموشی رویدادها بر جای می‌گذارد؛ برای مثال، از زمان وقوع رویدادهای صدر اسلام تا زمان ثبت و ضبط آنها، نزدیک به صد سال فاصله افتاده است (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۴۲۷/۳؛ ابن بکار، ۱۳۷۴: ۳۳۲؛ صدر، بی تا: ۲۳۴).

۳. همچنین، در بسیاری از موارد، شرایط رویدادها، گزارش نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، رویدادها با حذف بستری که آن را زمینه‌سازی کرده است، ذکر می‌شود. در نتیجه، بسیاری از تحلیل‌ها بدون در نظر گرفتن شرایط رویدادها، ارائه شده‌اند. بر این اساس، داوری‌های تحلیل‌گران تاریخ با واقعیت رویدادها فاصله زیادی دارد. گفتنی است که توجه به ویژگی‌های مذکور، نگرانی در بهره‌مندی از باورهای کلامی در تحلیل تاریخ را کاهش می‌دهد؛ زیرا گزاره‌های تاریخی به دلیل ویژگی‌هایی که دارند، گمان‌آور هستند و در نتیجه، باورهای کلامی به دلیل یقینی بودن می‌توانند پایه ارزیابی و تحلیل قرار گیرند.

باورهای کلامی و تأثیر آنها بر تحلیل تاریخ

به نظر می‌رسد باورهای کلامی در عرصه تحلیل تاریخ، آثار متعددی از خود به جای گذاشته‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. تحلیل‌های گوناگون

یکی از ویژگی‌های حوادث مهم تاریخی، تنوع تحلیل‌هایی است که در خصوص آن صورت می‌گیرد. پرسشی که در این باره وجود دارد، این است که راز تنوع این تحلیل‌ها چیست؟

به نظر می‌رسد که علاوه بر تأثیر داده‌ها، فضا و شرایط تحلیل‌گر بر تحلیل تاریخ، باورهای کلامی نیز تأثیرات گوناگونی بر تحلیل رویدادهای تاریخی دارند که در ذیل، با اتکا

به باور کلامی گروهی از مسلمانان به «عدالت صحابه» و عدم باورمندی گروهی دیگر به این اندیشه کلامی، به تفاوت تحلیل آنها در باره برخی از رخداد‌های تاریخ اسلام اشاره می‌شود:

۱-۱. سقیفه بنی ساعده

در سال ۱۱ هجرت، پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، رویداد مهمی در محله «بنی ساعده» مدینه شکل گرفت که از آن در تاریخ به «سقیفه بنی ساعده» یاد شده است. در آنجا عده‌ای از مسلمانان به رایزنی در باره خلافت پرداختند که در نهایت، «ابوبکر» به عنوان خلیفه پیامبر ﷺ برگزیده شد. در خصوص رویداد مذکور، دو تحلیل مهم ارائه گردیده است که عبارت است از:

الف. فلتة (رویدادی اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی قبلی)

عده‌ای از مسلمانان که به «عدالت صحابه» معتقدند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵/۱)، نقل می‌کنند حادثه مذکور بدون برنامه‌ریزی قبلی روی داده است (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۶/۸؛ ابن ابی شیبہ کوفی، ۱۴۰۹: ۵۷/۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۲۶۶/۵)؛ نه اینکه قبلاً در این باره، برنامه‌ریزی شده باشد. همان گونه که ملاحظه می‌شود، در این تحلیل به قدرت رسیدن ابوبکر، نتیجه تلاش‌های و کوشش‌های برخی از صحابه قبل از رحلت پیامبر ﷺ نبوده است؛ بلکه رویداد مرگ پیامبر ﷺ، همه مسلمانان ساکن مدینه را غافلگیر کرده بود. در این شرایط حساس، عده‌ای به چاره‌جویی پرداختند و نتیجه آن، به قدرت رسیدن ابوبکر، خلیفه اول مسلمانان بود (ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ۲۲۴-۲۲۵).

ب. تبانی

تحلیل دوم، بر آن است که رویداد به قدرت رسیدن ابوبکر، «فلته» نبوده است؛ بلکه نتیجه کوشش‌ها و توافقاتی بوده که قبل از رحلت پیامبر ﷺ شکل گرفته است (سید مرتضی، ۱۴۱۳: ۹۰؛ ابن ابی الحدید، بی تا: ۳۷/۲). لازم به یاد آوری است که تحلیل اخیر، عموماً از سوی کسانی ارائه شده است که به باور مذکور (عدالت صحابه) اعتقادی ندارند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۴۳).

۱-۲. فتوحات

حادثه مهم دیگری که پس از رحلت پیامبر ﷺ روی داد و منشأ تحولاتی در حیات مادی

و معنوی مسلمانان گردید، فتوحات است. ابوبکر پس از سرکوبی مخالفان خود، سپاهیان مسلمان را به سوی دروازه‌های ایران و روم، گسیل کرد. در دوره عمر، سپاهیان مسلمان وارد سرزمین‌های ایران و روم شرقی شدند. حال، رویداد مذکور به لحاظ اهمیت و نتایجی که در پی داشته، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در این باره برخی معتقدند، انگیزه فاتحان، دفاع و گسترش اسلام بوده است (رشید رضا، بی تا: ۲/۲۱۵). گفتنی است، تحلیل مذکور، عموماً از سوی کسانی مطرح شده که به عدالت صحابه پیامبر ﷺ باور دارند. در مقابل، برخی از کسانی که باور کلامی مذکور را ندارند، انگیزه فاتحان را نه دفاع و گسترش اسلام، بلکه بهره‌مندی از غنائم می‌دانند (مرتضی‌العاملی، ۱۳۶۹: ۱۵۵-۱۵۸ و ۱۶۶؛ شرفی، ۱۳۹۳: ۸۶).

۳-۱. سر انجام «سعدبن عباد»

سعدبن عباد، یکی از شخصیت‌های برجسته قبیله خزرج از قبایل «مدینه» بود. او یکی از افسران مسلمان به شمار می‌رفت و مورد توجه پیامبر ﷺ بود. پس از رحلت پیامبر ﷺ و به قدرت رسیدن ابوبکر، از بیعت با خلیفه امتناع کرد. همچنین، از بیعت کردن با عمر نیز سر باز زد؛ تا اینکه تصمیم گرفت به سرزمین شام مهاجرت کند. پس از مدتی اقامت کردن در آنجا، جنازه او را یافتند. در باره عامل قتل او، دو تحلیل و رویکرد وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف. کشته شدن توسط جنیان

عموم کسانی که معتقد به عدالت صحابه هستند، عامل قتل سعد را «جنیان» می‌دانند و حتی گفته‌اند که جنیان در این باره شعری سروده‌اند که آنان در این سروده، قتل سعد را به عهده گرفته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۵/۳۴۹-۳۵۰؛ بلاذری، ۱۴۲۴: ۲/۲۷۲).

ب. ترور

دیدگاه دوم که اعتقادی به باور کلامی مذکور (عدالت صحابه) ندارد، عامل قتل سعد را مأموران حاکمیت می‌داند که آنان به دستور خلیفه اول یا دوم، او را به قتل رساندند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱/۲۲۲؛ طبرسی، ۱۴۲۲: ۲/۳۱۴؛ بهبودی، ۱۳۶۸: ۳۱).

۴-۱. سر انجام «أبی بن کعب»

أبی بن کعب، یکی دیگر از یاران پیامبر ﷺ در مدینه بود که به دلیل اهمیت دادن او به

«قرآن»، جایگاه مهمی را در میان مسلمانان کسب کرد؛ تا آنجا که از او به عنوان «سید القراء» یاد شده است. مورخان نقل کرده‌اند او در زمان خلیفه دوم وعده داد که در سخنرانی روز جمعه‌اش، برخی از حقایق و مسائل پشت پرده در باره «خلافت» را برملا کند. روز پنج شنبه بود که جارچی فریادش بلند شد که ابی بن کعب، دار فانی را وداع گفته است (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۴۰۰/۲؛ ابن ابی الحدید، بی تا: ۲۴/۲۰). لازم به یاد آوری است که باورمندان به عدالت صحابه، مرگ ابی بن کعب را عادی تلقی کرده‌اند؛ ولی از سوی برخی از کسانی که به باور مذکور، اعتقادی ندارند، عامل قتلش را «ترور» از سوی حاکمیت می‌دانند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۲۲/۱؛ بهبودی، ۱۳۶۸: ۳۱ و ۳۳-۳۴).

۵-۱. ممنوعیت نقل و تدوین حدیث نبوی

یکی از اقدامات عمر که در فرهنگ و اندیشه مسلمانان آثار مهمی از خود به جای گذاشت، ممانعت از نقل و تدوین حدیث نبوی است (ابوریه، ۱۳۷۵: ۴۹-۵۰؛ عسکری، ۱۴۱۶: ۵۳/۲-۵۰).

در باره انگیزه خلیفه دوم از این اقدام، تحلیل‌های مختلفی ارائه شده است. عالمان اهل سنت به دلیل اعتقاد به عدالت صحابه، انگیزه خلیفه دوم را خیرخواهی نسبت به قرآن، پیامبر (ص) و مسلمانان می‌دانند. آنان می‌گویند: ترس خلیفه دوم از اختلاط قرآن با سنت، بیم از سرگرم شدن مردم به حدیث و روی گردانی از قرآن و صیانت از جایگاه پیامبر ﷺ، خلیفه دوم را به ممانعت مذکور وادار کرد (شهرستانی، ۱۴۱۸: ۳۶؛ معارف، ۱۳۷۷: ۸۶-۸۷).

در مقابل، عالمان شیعی به دلیل عدم اعتقاد به عدالت صحابه، تحلیل دیگری ارائه داده‌اند. آنان می‌گویند: انگیزه خلیفه دوم از اقدام مذکور، ریشه در حوادث پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ داشت؛ زیرا اگر احادیث پیامبر ﷺ که بخشی از آن در فضایل اهل بیت ﷺ و مذمت برخی از اشخاص و تیره‌های «قریش» (مثل امویان) بود، منتشر می‌گشت، حاکمان و کارگزاران دستگاه خلافت را با مشکل مشروعیت مواجه می‌ساخت (حسینی جلالی، ۱۴۱۳: ۴۱۲-۴۱۶؛ شهرستانی، ۱۴۱۸: ۵۷-۵۸؛ معارف، ۱۳۷۷: ۸۸-۹۴).

۱-۶. رویداد «غدیر»

در سال دهم هجرت، پیامبر اسلام ﷺ آخرین حج خود را برگزار کرد. هنگام بازگشت او به مدینه، در سر زمین «خم» آیه تبلیغ (مائده: ۶۷) نازل شد. پیامبر ﷺ دستور توقف داد و در آنجا بعد از اقامه نماز ظهر، خطبه‌ای ایراد کرد که در آن، پس از بیان مطالبی، فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ». طبق گزارش محدثان، جمله مذکور سه یا چهار بار تکرار شد. سپس، مسلمانان به علی علیه السلام تبریک و تهنیت گفتند (امینی، ۱۴۱۶: ۳۶/۱-۳۳).
در باره انگیزه پیامبر ﷺ از اقدام مذکور، تحلیل‌های مختلفی صورت گرفته است. برخی از عالمان باورمند به عدالت صحابه، می‌گویند: میان علی علیه السلام و «اسامه بن زید» و یا «بریده اسلمی» نزاعی صورت گرفت و آنان از علی علیه السلام دلخور شدند. یکی از آنان نزد پیامبر ﷺ، از علی علیه السلام گلایه کرد. پیامبر ﷺ برای رفع کدورت، جمله مذکور (مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ) را فرمود (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۲۷۷/۵). در مقابل، عالمان شیعی که به این باور کلامی اعتقادی ندارند، می‌گویند: اعلان ولایت علی علیه السلام از سوی پیامبر ﷺ، به دستور خداوند بوده است (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۰۸/۳۷-۱۲۵؛ امینی، ۱۴۱۶: ۳۳/۱).

۲. فرضیه سازی

دومین اثر و پیامد باورهای کلامی در عرصه تحلیل، کمک به فرضیه‌سازی است؛ زیرا در هر پژوهشی، پس از طرح پرسش، مهم‌ترین بخش آن، فرضیه‌سازی یا همان پاسخ احتمالی به پرسش است. در این میان، پیش‌فرض‌ها و باورهای کلامی، نقش بسزایی در فرضیه‌سازی دارند؛ به عبارت دیگر، باورها و اطلاعات تاریخی پژوهشگر، زمینه ساخت فرضیه را فراهم می‌کند. در ذیل، به دو مورد اشاره می‌گردد:

۲-۱. پژوهشگری که در مبحث علم امام علیه السلام معتقد به محدودیت علم امام علیه السلام در خصوص حوادث آینده می‌باشد، زمینه ارائه فرضیه تشکیل حکومت اسلامی در قیام امام حسین علیه السلام از سوی او فراهم می‌گردد.

۲-۲. فرضیه باورمندان به عدالت صحابه در باره ممنوعیت نقل و تدوین حدیث نبوی از سوی عمر، عبارت است از جلوگیری از تحریف قرآن و حفظ جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله.

۳. توجیه گزارش‌ها

باورهای کلامی، تحلیل‌گر رویدادهای تاریخی را به تکاپو و توجیه گزارش‌های تاریخی وادار می‌کند؛ به بیان دیگر، تحلیل‌گر وقتی مشاهده می‌کند که برخی از گزارش‌های تاریخی، با باورهای او در باره یک حادثه ناسازگار است، به توجیه گزارش‌ها روی می‌آورد؛ برای مثال، برخی از پژوهشگران به دلیل اینکه معتقدند امام حسین علیه السلام در سفر به عراق علم به شهادت خویش نداشته (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲۴۸) و از سویی، انگیزه او از قیام تشکیل حکومت اسلامی است (همان: ۷۳-۷۲)، گزارشی را که می‌گوید: «امام حسین علیه السلام به محمد حنفیه نوشت: هرکس به من ملحق شود، شهید می‌شود (ابن قولویه، ۱۳۷۵: ۷۶)»، توجیه کرده‌اند (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۸: ۴۲۶-۴۲۵).

راهکار تشخیص تحلیل صحیح کلام محور از ناصحیح

همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، حضور باورهای کلامی در تاریخ، سبب تعدد تحلیل‌های مختلف می‌گردد. حال سؤالی که مطرح می‌گردد، آن است که از میان تحلیل‌های مذکور، کدام یک می‌تواند به واقعیت نزدیک‌تر باشد؟ به نظر می‌رسد رعایت سه نکته در این باره راهگشاست:

۱. ارزیابی باورهای کلامی که اساس تحلیل قرار گرفته‌اند؛ زیرا باورهای کلامی همگی سطح یکسانی از استحکام برخوردار نیستند، خاستگاه برخی از آنها عقل و یا نقل، و برخی هم حُسن ظن است؛ به عبارت دیگر، قبل از تحلیل رویدادهای تاریخی، پژوهشگر باید به بازخوانی باورهای کلامی بپردازد تا بتواند تحلیل خویش را بر باورهایی مبتنی کند که هم از توافق اکثریت متکلمان برخوردار باشد و هم از استحکام لازم بهره‌بردار.
۲. ارزیابی شواهد و قراینی که در جهت تأیید تحلیل مذکور به کار گرفته شده است.
۳. بررسی میزان و نوع انعکاس شواهد و قراین مذکور در منابع اصلی، سومین راهکار جداسازی تحلیل‌های صحیح از ناصحیح است.

موانع و آسیب‌های بهره‌مندی از باورهای کلامی در تحلیل تاریخ

تحلیل‌گر تاریخ در بهره‌مندی از باورهای کلامی، با موانع و آسیب‌های جدی روبه‌روست که خود سبب بدبینی پژوهشگران را فراهم کرده است. از این‌رو، شایسته است

پژوهشگر تاریخ در استفاده از معیار یادشده، نهایت احتیاط را به کار بندد. در ادامه، به برخی از این آسیب‌ها اشاره می‌شود:

۱. حصرگرایی

حصرگرایی، اولین آسیب و مانع در بهره‌مندی صحیح از باورهای کلامی در تحلیل تاریخ است. حصرگرایی یا پدید آمدن حادثه را به یک علت منحصر دانستن، و یا صرفاً توجه به علت‌های مباشر و بی‌واسطه (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۱۵۰)، سبب می‌گردد که پژوهشگر به یک عامل توجه کرده، از عوامل دیگر غفلت کند. در نتیجه، تحلیل و داوری او با واقعیت، زاویه خواهد گرفت؛ زیرا هریک از علل و عوامل، بعدی از ابعاد حادثه را توضیح می‌دهد؛ به عبارت دیگر، در حصرگرایی چون به یکی از عوامل حادثه توجه شده است، علت مذکور، پایه تحلیل برای تبیین تمام ابعاد حادثه قرار گرفته است و در نتیجه، «پروژه علت‌یابی» ناتمام می‌ماند. اکنون به نظر می‌رسد که یکی از علل و عوامل حصرگرایی در تحلیل تاریخ، باورهای کلامی است. باورهای مذکور سبب می‌گردد که تحلیل‌گر نگاهش به عاملی معطوف شود که با باورهای سازگار است. در اینجا است که تحلیل‌گر، عوامل دیگر را نادیده می‌گیرد؛ برای مثال، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره گردید، عالمان اهل سنت به دلیل اعتقاد به «عدالت صحابه»، انگیزه لشکرکشی‌های مسلمانان در زمان خلفای صدر اسلام (ابوبکر، عمر و عثمان) به ایران و روم را دفاع و حمایت از حق می‌دانند (رشید رضا، بی‌تا: ۲/۲۱۵). تحلیل مذکور، به دلیل هماهنگ بودن با باور کلامی تحلیل‌گر، پذیرفته شده است و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این تحلیل، یکی از مصادیق حصرگرایی است؛ زیرا در این تحلیل، از عوامل دیگر همچون بهره‌مندی از غنائم، سرگرم نمودن بادیه‌نشینان و پیش‌دستی نمودن، غفلت شده است (حسن‌بگی، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۶).

۲. تعمیم‌گرایی

دومین آسیب در استفاده از باورهای کلامی در تحلیل تاریخ، تعمیم‌گرایی است. تعمیم‌گرایی یا همان تسری دادن مطلبی در موردی به موارد دیگر، از آسیب‌های تحلیل کلام‌محور است؛ به عبارت دیگر، گاهی تحلیل‌گر در باره انگیزه و علل یک حادثه، علت و انگیزه‌ای یافته است؛ ولی همان یافته را به موارد دیگر تسری می‌دهد؛ غافل از اینکه موارد دیگر می‌تواند علل و انگیزه‌های دیگری داشته باشد. اکنون به نظر می‌رسد که در

تعمیم‌گرایی، پیش‌فرض‌ها و باورها کلامی نقش مهمی دارند؛ زیرا گاهی تحلیل‌گر بر اساس پیش‌فرض و باوری که دارد، گزارشی را مشاهده می‌کند و در آن گزارش، یکی از علل و انگیزه‌های حادثه بیان شده است؛ ولی تحلیل‌گر به دلیل سازگاری آن با پیش‌فرض‌ها و باورهای کلامی خود، علت و انگیزه مذکور را به موارد دیگر تسری می‌دهد. در ذیل، به دو مثال تاریخی اشاره می‌گردد:

۱-۲. در عصر امامان شیعه، قیام‌های گوناگونی از سوی علویان (فرزندان علی) صورت گرفت. یکی از نویسندگان، انگیزه آنان از قیام را کسب رضایت خداوند و در صورت پیروزی، واگذاری حکومت به صاحبان اصلی‌اش (امامان شیعه) می‌داند. او در این باره می‌نویسد: «قیام‌های علویان، برای خدا و مطالبه حق و امر به معروف و نهی از منکر، و در صورت پیروزی، تفویض حکومت به امام معصوم علیه السلام بوده است» (رضوی اردکانی، ۱۳۷۵: ۱۰۰). همان گونه که ملاحظه می‌شود، نویسنده مذکور به دلیل خوش‌بینی و باوری که در باره قیام‌های مذکور دارد، در تحلیل خود، دچار تعمیم‌گرایی شده است؛ زیرا به فرض اینکه انگیزه برخی از سران قیام‌های مذکور همچون «زید شهید = زید بن علی و شهید فخ = حسین بن علی»، الهی باشد، آیا می‌توان بقیه قیام‌ها را چنین دانست؟ آیا قیام «عبدالله بن معاویه» هم مشمول حکم مذکور است؟ در حالی که در باره او گفته‌اند: مردی بد رفتار، لا ابالی و آدم‌کش و با بی‌دینان مأنوس بود؛ حتی در قیام او به مردم گفته شد: شما بیعت می‌کنید، بر اساس آنچه دوست دارید (اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۵۲-۱۵۷).

۲-۲. یکی از حوادث مهم دوره حکومت خلفای صدر اسلام، فتوحات یا همان ورود سپاهیان اسلام به ایران است. برخی از نویسندگان معتقدند ایرانیان از سپاهیان اسلام استقبال کردند. آنان علت استقبال ایرانیان از فاتحان مسلمان را در خوش‌رفتاری فاتحان با ایرانیان می‌دانند. نویسنده‌ای در این باره می‌نویسد: رفتار عرب‌ها با مردم ایران، معتدل بود و با کسانی که به اسلام نگروریده بودند، ملایمت می‌کردند. در ایام «معتصم عباسی (۲۲۷-۲۱۸)» یکی از سرداران عرب فرمان داد تا یک امام جماعت را با مؤذن او تازیانه زدند؛ بدین گناه که یکی از معابد زردشتی را ویران کرده بودند و سنگ‌های آن را در بنای مسجد به کار بردند (ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ۱/۲۵۰-۲۴۹). نکته قابل توجه در تحلیل مذکور، همان تعمیم‌گرایی است که به وضوح دیده می‌شود؛ زیرا نویسنده به علت خوش‌بینی به فاتحان مسلمان و باور به عدالت صحابه، از یک مورد خاص، نتیجه کلی گرفته است؛ به عبارت

دیگر، رفتار سردار عرب در زمان معتصم را به همه عرب، آن هم در زمانی متفاوت با فتوحات دوره خلفا تعمیم داده است؛ درحالی‌که گزارش‌های تاریخی، چنین رفتاری آن هم به عنوان یک قاعده را تأیید نمی‌کند که در این باره می‌توان به کشتار فجیع اهالی طالقان توسط «قتیبۀ بن مسلم» و کشتار اهالی یکی از شهرهای طبرستان توسط «سعید بن عاص» (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۷۸/۹-۸۱؛ طبری، بی‌تا: ۲۷۰/۴) اشاره کرد.

۳. بی‌توجهی به لَبّی بودن باورهای کلامی

یکی از آسیب‌هایی که متوجه استفاده از باورهای کلامی در تحلیل رویدادهای تاریخی می‌شود، بی‌توجهی به لَبّی بودن این معیار است. بی‌توجهی به این نکته سبب گردیده برخی از عالمان، جزئیات باورهای کلامی را که در باره آن اختلاف دارند،^۱ پایه تحلیل قرار دهند؛ برای مثال، نویسنده «شهید جاوید» تحلیل خویش از قیام امام حسین علیه السلام را بر پایه عدم علم امام به جزئیات رویدادها قرار داده است (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۸: ۲۴۸).

۱. برای مثال، امامیه پیامبر صلی الله علیه و آله را معصوم از گناهان صغیره و کبیره، چه قبل و چه بعد از بعثت می‌داند؛ ولی معتزله، ارتکاب گناهان صغیره، چه قبل و چه بعد از بعثت را روا می‌دانند (سید مرتضی، ۱۳۷۷: ۲۴-۲۵؛ ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ۱۵۹/۱۷). در میان امامی‌مذهبان نیز گرچه عصمت نبی و امام و مبرأ بودن او از خطا مشهور است (فاضل مقداد، ۱۳۸۰: ۲۴۵ و ۳۲۳؛ مظفر، بی‌تا: ۵۳-۵۴)، برخی همچون ابن‌الولید و صدوق و علامه شوشتری، به سهو نبی معتقد بوده‌اند (صدوق، ۱۴۰۴: ۲۳۳/۱؛ تستری، ۱۴۲۵: انتهای ج ۱۲). گفتنی است که سید مرتضی و طبرسی معتقدند پیامبر صرفاً در تلقی و تبلیغ وحی از سهو و نسیان مصونیت دارند. در نتیجه، مانعی در دچار شدن به آن دو در زندگی عادی وجود ندارد (سید مرتضی، ۱۴۰۹: ۱۲۰-۱۲۱؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۸۲/۴). از مراجع معاصر نیز آیت‌الله خویی معتقد بود که سهو پیامبر در غیر از تبلیغ وحی، ممتنع نیست (تبریزی، ۱۴۱۶: ۴۶۲/۱). ناگفته نماند که برخی از دانشمندان شیعه، دامنه عصمت را گسترده کرده و آن را به غیر از چهارده معصوم، یعنی به اشخاصی همچون: حضرت علی اکبر علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام، ام‌کلثوم علیها السلام و سکینه و نواب اربعه تسری داده‌اند (استادی، ۱۳۷۹: ش پنجم، ۳۷؛ سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۸ و ۵۹؛ مجتهدی سیستانی، ۱۳۹۳: ۶۴۷).

علاوه بر مسئله عصمت، عالمان و متکلمان شیعی، گرچه در باره کلیات علم امام توافق دارند، ولی در جزئیات آن همواره اختلاف بوده است. برخی همچون ابن‌قبة و فضل‌بن‌شاذان معتقد بودند که امامان علیهم السلام صرفاً به شریعت عالم بوده‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۲۷؛ طوسی، ۱۳۴۸: ۵۴۰). بعضی همچون طبرسی، شیعیان را از این اعتقاد مبرأ می‌دانند که امامان علم غیب دارند؛ بلکه خاستگاه خبرهای غیبی آنان را پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند که خداوند او را مطلع کرده است (طبرسی، ۱۴۱۵: ۲۵۲/۵). قاضی نورالله شوشتری، علم غیب پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام به ضمانت همه افراد را منتفی می‌داند (جعفریان، ۱۳۸۸: ۴۹، ۵۱-۵۲، ۶۷ و ۶۱). در عین حال، عالمان دیگری همچون سیدعبدالحسین لاری و آخوند خراسانی معتقد بودند که امام علیه السلام علاوه بر داشتن علم به شریعت، از علم غیب، یعنی علم به همه پنهان‌ها نیز بهره‌مند است (لاری، ۱۳۶۴: ۲۵؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۷۳/۱).

۴. نبود مطالعات تاریخی در باره باورهای کلامی

بی‌اطلاعی از آرای متکلمان و روشن نبودن پیشینه باورهای کلامی، آسیب دیگری در استفاده از باورهای کلامی در تحلیل تاریخ است؛ به بیان دیگر، فقدان مطالعات تاریخی در مورد باورهای کلامی، ما را از شناخت تطورات و تحولات باورهای کلامی محروم کرده است. به دلیل نبود این مطالعات، بسیاری از پژوهشگران، باورهای کلامی نسل امروز را همانند باورهای کلامی گذشتگان دانسته، رویدادهای تاریخی را بر پایه آن تحلیل می‌کنند؛ غافل از اینکه شاید گذشتگان چنین نگاهی نداشته‌اند؛ چنان‌که برخی از اصحاب امامان، معتقد به عصمت آنان نبودند (بحر العلوم، ۱۳۶۳: ۲۱۹/۳-۲۲۰؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۷۵) و «صدوق» و استاد او (ابن الولید)، به عصمت پیامبر (ص) از سهو معتقد نبودند و اولین درجه علو را عدم اعتقاد به سهو پیامبر ﷺ می‌دانستند (صدوق، ۱۴۰۴: ۳۵۸/۱-۳۵۹). گرچه امروزه اعتقاد به نفی سهو از سوی پیامبر ﷺ، در میان عالمان و متکلمان شیعه مشهور است (سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

۵. مسلم‌پنداری برخی باورهای کلامی

مسلم‌پنداری برخی از باورهای کلامی، آسیب سوم است که حوزه تحلیل تاریخ را تهدید می‌کند؛ به عبارت دیگر، گاه پژوهشگری بدون توجه کردن به خاستگاه باور کلامی خویش که آیا از استحکام لازم برخوردار هست یا خیر، باور غیرمسلمی را مسلم دانسته، بر پایه آن، رویدادی را تحلیل کرده است؛ برای مثال، همان‌گونه که گفتیم، برخی با تکیه بر عدالت صحابه، انگیزه صحابه و فاتحان مسلمان را دفاع از کیان مسلمانان و گسترش آیین اسلام دانسته‌اند و چشم خود را بر گزارش‌های مخالف تحلیل مذکور بسته‌اند.

۶. ممانعت از ژرف‌نگری

گاهی باور کلامی تحلیل‌گر، سبب می‌شود تحلیل ارائه‌شده از سوی اشخاص مقدس را قبول کند و دیگر خود، به ارزیابی و تحلیل ارائه‌شده نپردازد؛ به عبارتی، گاه باور کلامی چنان ذهنیتی برای تحلیل‌گر ایجاد می‌کند که دیگر به او مجالی برای توجه به گزارش‌های معارض تحلیل مذکور نمی‌دهد؛ مثلاً، تحلیل خلیفه دوم در باره کنار گذاشتن علی ﷺ از خلافت، این بود که اگر علی ﷺ به خلافت می‌رسید، به دلیل کمی سن و نداشتن محبوبیت، عرب مرتد می‌شد. از سوی دیگر، قریش نیز مایل به انتخاب علی ﷺ به

خلافت نبودند؛ زیرا دو افتخار (نبوت و خلافت) نصیب یک خاندان (بنی‌هاشم) می‌گشت (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ۹۰/۱۲؛ طبری، بی‌تا: ۲۲۳/۴). حال، تحلیل‌گرانی که باور کلامی آنها عدالت صحابه است، تحلیل مذکور را پذیرفته‌اند و دیگر به گزارش‌ها و رویدادهایی از قبیل تعیین علی علیه السلام به عنوان یکی از اعضای شورای خلافت از سوی خلیفه دوم که تحلیل مذکور را زیر سؤال می‌برد، توجهی نمی‌کنند.

اما در صورت فقدان تحلیل از سوی اشخاص مقدس، تحلیل‌گر به دلیل باور کلامی، چارچوبی از پیش تعیین شده داشته و به همین جهت، به حوادث از منظر همان چارچوب می‌نگرد. در نتیجه، دیده او به آنچه با چارچوب مذکور زاویه دارد، گشوده نمی‌شود و خیلی آسان، از کنار گزارش‌های معارض با باورهای کلامی، عبور می‌کند؛ برای مثال، کسی که باور کلامی او عدالت صحابه است، گزارش انکار مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله توسط عمر خلیفه دوم را در راستای ترس او از شعله‌ور شدن فتنه می‌داند، نه بر اساس تبانی با ابوبکر؛ آن هم در راه رسیدن به قدرت (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ۴۲/۲-۴۳). اکنون به نظر می‌رسد، تحلیل‌گر در چنین مواردی، گزارش‌هایی که تحلیل مذکور را زیر سؤال می‌برد، نمی‌بیند و یا اگر هم ببیند، به آن توجه نمی‌کند. چنین رویکردی به تاریخ، سبب می‌گردد که بدینی برخی پژوهشگران به حضور و استفاده از باورهای کلامی برای حل مسائل تاریخی بیشتر گردد و به این تلقی که که تاریخ از مقوله هنر است، دامن زند.

۷. ممانعت از تحلیل و بررسی برخی رویدادها

گاه باورهای کلامی سبب می‌گردد پژوهشگر از ورود به تحلیل حوادثی که با اشخاص مقدس مرتبط است، باز ماند؛ برای مثال، ابوالحسن اشعری مؤسس مکتب «اشعریت»، به دلیل اعتقاد به عدالت صحابه، دیگران را از تحلیل و بررسی در اختلافات میان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله نهی می‌کند. او صریحاً می‌نویسد: «الإساک عما شجر بینهم؛ یک سنی تمام عیار، از ورود به اختلافات میان صحابه خودداری می‌ورزد» (اشعری، ۱۴۰۰: ۲۹۴). ابوالمعالی جوینی نیز معتقد است که یک مسلمان، شایسته نیست در باره جنگ‌ها و مشاجرات صحابه غور و بررسی کند (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ۱۲/۲۰). بر این اساس، بررسی جنگ‌های میان صحابه، نه ضرورتی دارد و نه شایسته یک مسلمان است.

آسیب‌ها و راهکارها

به نظر می‌رسد که با توجه به موانع و آسیب‌های بهره‌مندی از باورهای کلامی، توجه به راهکارهای ذیل جهت استفاده از باورهای کلامی در تحلیل تاریخ سودمند است:

۱. ارزیابی خاستگاه باورهای کلامی

ارزیابی خاستگاه باورهای کلامی، می‌تواند در این باره راهگشا باشد؛ زیرا اگر باور کلامی از خاستگاه عقل و یا نقل معتبر برخوردار باشد، می‌توان آن را پایه تحلیل قرار داد و در غیر این صورت، باور کلامی، شایستگی پایه تحلیل را ندارد.

۲. تفکیک میان دلیل لفظی و دلیل لُبی

همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، باورهای کلامی از دلایل و مستندات لُبی محسوب می‌شوند که باید به قدر متیقن اکتفا کرد. در نتیجه، کلیات باورهای کلامی (مثل اصل عصمت نبی از گناهان و اصل علم امام)، معیار تحلیل رویدادها قرار می‌گیرد. پس، شایسته نیست تحلیل‌گر، جزئیات باورهای کلامی از قبیل عصمت انبیا از سهو و نسیان و علم امام به همه رویدادهای گذشته و آینده را پایه تحلیل تاریخی خویش قرار دهد؛ چنان‌که نویسنده شهید جاوید، تحلیل خویش از قیام امام حسین علیه السلام را بر پایه جزئیات علم امام قرار داد.

۳. مطالعات تاریخی پیرامون تطورات باورهای کلامی

مطالعات تاریخی در خصوص شکل‌گیری و سیر تطور باور کلامی در گذشته، به تحلیل‌گر کمک بسزایی می‌کند؛ برای مثال، مطالعه تاریخی باور کلامی، عدالت صحابه روشن می‌کند که باور مذکور در پی برخی از رویدادهای تاریخی و اقدامات بعضی از حاکمان شکل گرفته است (حسن‌یگی، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۱۱). از این رو، نمی‌توان با نادیده گرفتن قرائن و شواهد دیگر، به تحلیل یک رویداد بر پایه آن مبادرت کرد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، روشن گردید که باورهای کلامی در تحلیل تاریخ، آثار گوناگونی همچون: تعدد تحلیل‌ها، فرضیه‌سازی و توجیه‌گزارش‌ها بر جای می‌گذارد. همچنین، باورهای مذکور، تحلیل تاریخ را دچار آسیب‌هایی از قبیل حصرگرایی و تعمیم‌گرایی می‌سازد. به علاوه، قلمرو بهره‌مندی از باورهای کلامی در تحلیل تاریخ مشخص گردید و روشن شد که هر باور کلامی، شایستگی پایه تحلیل را ندارد. همچنین، در این نوشتار، تشخیص تحلیل صحیح کلام‌محور از تحلیل غیر صحیح ارائه شد. برخی از آسیب‌های بهره‌مندی از باورهای کلامی در تحلیل تاریخ و نیز راهکارهای استفاده از آنها بیان گردید. در نهایت، تعامل دانش تاریخ با دانش کلام و دانش اصول فقه، نکته آخری بود که در این مقاله بر آن تأکید شد.

منابع

- قرآن کریم.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، *کفایة الاصول*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- آقا جاری، هاشم (۱۳۷۷ش)، *جهان اسلام*، شماره ۱۲۱۷-۱۲۲۳.
- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۷۶ش)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابو القاسم پاینده، تهران: جاویدان.
- ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید (بی تا)، *شرح نهج البلاغه*، تهران: جهان.
- ابن حجر، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، *الاصابة*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن ابی شیبہ کوفی، محمد بن عثمان (۱۴۰۹ق)، *المصنّف*، بیروت: دار الفکر.
- ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم (بی تا)، *منهاج السنة النبویة*، قاهره و ریاض: مکتبه الجمهوریة و مکتبه الرياض الحدیثة.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۱ق)، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت: اعلامی.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۴ق)، *الطبقات الكبرى*، بیروت: دار الفکر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ق)، *مناقب آل ابی طالب*، نجف اشرف: مطبعة الحیدریة.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴ق)، *الملهوف علی قتلی الطفوف*، بی جا: دار الاسوة للطباعة و النشر.
- ابن قولویه، محمد بن جعفر (۱۳۷۵ش)، *کامل الزیارات*، تهران: صدوق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر (۱۴۰۸ق)، *البدایة و النہایة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا)، *السیرة النبویة*، بیروت: دار احیاء التراث العربیة.
- ابن بکار، زبیر بن بکار (۱۳۷۴ش)، *الموفقیات*، قم: شریف الرضی.
- ابوریثه، محمود (۱۳۷۵ش)، *اَضواء علی السنة المحمدیة*، قم: انصاریان.
- استادی، رضا (۱۳۷۹ش)، «پاسخی به چالش های فکری در بحث امامت و عصمت»، معرفت، سال نهم، شماره پنجم: ۸-۱۴.
- اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۰۰ق)، *مقالات الاسلامیین*، بی جا: هلموت ریترز.
- اصفهانى، ابوالفرج (۱۳۷۴ش)، *مقاتل الطالبیین*، قم: رضی.

۳۰۳ واکاوی تأثیر برخی باورهای کلامی بر تحلیل تاریخ اسلام با رویکرد آسیب‌شناختی

- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق)، *الغدیر*، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة.
- بحر العلوم، محمد مهدی (۱۳۶۳ش)، *الفوائد الرجالیة*، طهران: مكتبة الصادق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، *صحیح البخاری*، بیروت: دار الفکر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۲۴ق)، *انساب الاشراف*، بیروت: دار الفکر.
- بهبودی، محمد باقر (۱۳۶۸ش)، *سیره علوی*، تهران: مؤلف.
- بهسودی، محمد سرور (۱۴۱۷ق)، *مصباح الاصول*، قم: مكتبة الداوری.
- تبریزی، جواد (۱۴۲۵ق)، *صراط النجاة*، قم: برگزیده.
- تستری، محمد تقی (۱۴۲۵ق)، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸ش)، *اسئلة یوسفیه: مکاتبات میر یوسف علی استرآبادی و شهید قاضی نورالله*، تهران: کتابخانه مجلس.
- جلیلیان، حمید؛ ایازی، سید محمد علی (۱۳۹۶)، «معیارسنجی باورهای کلامی در ارزیابی روایات تاریخی در الصحیح من سیره النبی الاعظم ﷺ»، مجله پژوهشنامه تاریخ اسلام، شماره ۲۷.
- حسن بگی، علی (۱۳۸۶ش)، «فتوحات پس از پیامبر ﷺ؛ زمینه‌ها و پیامدها»، مجله مشکوة، شماره ۹۴.
- (۱۳۹۵ش)، «دانشوران شیعی و نقد گزارش‌های تاریخی بر پایه باورهای کلامی»، شیعه‌شناسی، شماره ۵۴.
- (۱۳۸۲ش)، «عدالت صحابه»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۱ و ۲.
- (۱۳۹۰ش)، «بازکاوی تأثیر باورهای اعتقادی بر تاریخ‌نگاری اسلامی»، مجله مشکوة، شماره ۱۱۳.
- حسینی جلالی (۱۴۱۳ق)، *تدوین السنة الشریفه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۰ش)، *تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، تهران: نقش جهان.
- حکیم، سید صاحب (۱۴۱۶ق)، *منتقى الاصول*، بی‌جا: الهادی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *اجود التقریرات*، قم: مطبوعات دینی.

۳۰۴ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸

- (۱۴۱۶ق)، *البيان*، بی جا: امید.
- ذهبی، احمد بن عثمان (۱۳۸۲ق)، *میزان الاعتدال*، بیروت: دار المعرفة.
- رشید رضا، محمد (بی تا)، *المنار*، بیروت: دار الفکر.
- رضوی اردکانی، ابوفاضل (۱۳۷۵ش)، *ماهیت قیام شهید فخر*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶ش)، *نقش برآب*، تهران: معین.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۰ق)، *تهذیب الاصول*، قم: دار الفکر.
- (۱۳۸۹ش)، *منشور عقاید امامیه*، قم: توحید.
- سنقری حائری، محمدعلی (۱۳۸۱ش)، *چهره گشایی دختران امام حسین (علیه السلام)*، قم: انتشارات چاف.
- سیدمرتضی (۱۴۱۳ق)، *الفصول المختاره*، قم: المؤتمر العالمي، لألفية الشيخ المفيد.
- (۱۳۷۷ش)، *تنزيه الانبياء*، ترجمه امیر سلمانی رحیمی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شرفی، عبدالمجید (۱۳۹۳ش)، *اسلام میان حقیقت و تجلی تاریخی*، ترجمه عبدالله ناصری، تهران: انتشارات کویر.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا)، *الملل و النحل*، قاهره: مكتبة الانجلو المصرية.
- شهرستانی، علی (۱۴۱۸ق)، *منع تدوين الحديث*، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- شهیدی، جعفر (۱۳۸۳ش)، *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی.
- صادقی کاشانی، مصطفی (۱۳۹۷ش)، *درآمدی بر مبانی کلامی تاریخ نگاری اسلامی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صالحی نجف آبادی، نعمت الله (۱۳۶۸ش)، *شهید جاوید*، تهران: رسا.
- (۱۳۸۴ش)، *قضاوت زن در فقه اسلامی*، تهران: انتشارات امید فردا.
- صدر، حسن (بی تا)، *تأسیس الشيعة*، تهران: اعلمی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۱ش)، *الاعتقادات*، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
- (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا*، بیروت: مؤسسة الاعلمی.

۳۰۵ واکاوی تأثیر برخی باورهای کلامی بر تحلیل تاریخ اسلام با رویکرد آسیب‌شناختی

- (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳ش)، المیزان، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
طبرسی، احمدبن علی (۱۴۲۲ق)، الاحتجاج، تهران: اسوه.
طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه
الاعلمی.
طبری، محمدبن جریر (بی تا)، تاریخ الطبری، بیروت: دار التراث.
طوسی، محمدبن حسن (۱۳۴۸ش)، اختیار معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه فردوسی.
عسکری، مرتضی (۱۴۱۶ق)، معالم المدرستین، توحید.
فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله (۱۳۸۰ش)، اللوامع الالهیة فی المباحث الکلامیة، قم:
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
فیاض، محمداسحاق (۱۴۱۰ق)، محاضرات، بی‌جا: دار الهادی.
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، طهران: دار الکتب الاسلامیة.
لاری، عبدالحسین (۱۳۶۴ش)، المعارف السلمائیة، تهران: نمایشگاه و نشر کتاب.
مالک، مالک‌بن انس (۱۴۰۶ق)، الموطأ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۲۱ق)، موسوعة الامام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، قم: دار
الحديث.
مجتهدی سیستانی (۱۳۹۳ش)، صحیفه مهديه، قم: نشر الماس.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶ش)، بحار الأنوار، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۶ش)، مکتب در فرایند تکامل، تهران: کویر.
قادری، منیر؛ اسماعیلی، حبیب‌الله (۱۳۸۹ش)، جستارهایی در تاریخ و تاریخ نگاری،
تهران: خانه کتاب.
مرتضی‌العاملی، جعفر (۱۴۲۰ق)، الصحیح من سیرة النبی الاعظم (ص)، بی‌جا: بی‌نا.
— (۱۳۶۹ش)، تحلیلی بر زندگانی سیاسی امام‌حسن (ع)، ترجمه محمد سپهری،
تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
مسلم، مسلم‌بن حجاج (۱۴۲۰)، صحیح مسلم بشرح الامام النووی، بیروت: دار احیاء
التراث العربی.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۹ش)، فلسفه تاریخ، تهران: صدرا.

۳۰۶ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸

- (۱۳۷۹ش)، مجموعه آثار، قم و تهران: صدرا.
- مظفر، محمدحسین (۱۳۸۵ش)، پژوهشی در باب علم/امام علیه السلام، ترجمه دکتر علی شیروانی، قم: انتشارات دار الفکر.
- مظفر، محمدرضا (بی تا)، عقائد الامامیه، بی جا: بی نا.
- معارف، مجید (۱۳۷۷ش)، تاریخ عمومی حدیث، تهران: کویر.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۳ق)، صیانة القرآن من التحریف، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- والش، اچ، دبلیو (۱۳۶۳ش)، مقدمه ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاءالدین علائی طباطبایی، تهران: امیر کبیر.